

عدالت آموزشی و چالش های آن در استان آذربایجان شرقی



یادداشت اختصاصی اعتدال آذربایجان (اعتدال پرس)

▪ به قلم سردبیر؛ بابک محمدزاده علمداری

دستیابی به عدالت، از شرایط لازم و اساسی برای تحقق جامعه ای متعالی، پویا و توسعه یافته است بطوریکه، عدالت از مهمترین شاخص های ارزیابی حکمرانی خوب می باشد.

یکی از اهداف اساسی حکومت در جمهوری اسلامی اجرا و بسط عدالت در جامعه می باشد که فراتر از اصول حکمرانی، برگرفته از اصول دین اسلام و سیره علوی است و بر همین اساس، عدالت معیار اساسی برای ارزیابی عملکرد مسئولان و ریز سیستم های حاکم می باشد.

عدالت در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی قابل پیگیری است و تأمین عدالت آموزشی از جمله محورهای است که بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت که هدف آن توزیع عادلانه و برخورداری مناسب از امکانات آموزشی و کاهش فاصله طبقاتی میان اقشار گوناگون جامعه است.

در همین راستا، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به هنگام تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع توجه ویژه ای شد. طوریکه بندهای ۲ و ۳ اصل سوم قانون اساسی بر وظیفه دولت در بالا بردن سطح آگاهی های عمومی از طریق آموزش و پرورش رایگان برای همه ایرانیان تأکید می کند چراکه در حقیقت، این عدالت آموزشی است که زمینه را برای دستیابی به عدالت اجتماعی و عدالت فراهم می کند.

□ اهمیت عدالت آموزشی

عدالت آموزشی هرچند به عنوان یکی از مهم ترین و البته استراتژیک ترین بحث حوزه آموزش، پرورش و مدیریت تعلیم، سالهاست که توجه متصدیان امر آموزش را به خود جلب کرده است، ولی هنوز اقدامات اساسی در این زمینه برداشته نشده است.

داستان بی عدالتی آموزشی در ایران طی سالهای گذشته بسیار چالش برانگیز شده است و بیم آن می رود که نظام آموزشی ما با غفلت از تقویت توانایی توسعه در کودکان، موجب گسترش یک بی عدالتی بین نسلی شود چراکه نتیجه چنین سیستمی، تربیت دو نسل کاملا متمایز می باشد، نسل باسواد و نسل بی سواد. هر دو از "مدرسه" فارغ التحصیل می شوند ولی، یکی نسلی که نمی تواند برخورد علمی و به روز در زندگی خود داشته باشد و دیگری نسلی است که توانمند و هوشمند است. پس این منجر به شکاف نسلی و شکاف طبقاتی که همان مصداق بی عدالتی در بعد کلان و اجتماعی است، می شود.

بنابراین، عدالت آموزشی نخستین و مهم ترین اولویت در میان مسائل نظام است که نیاز به تامل و توجه ویژه دارد. اگر نظام نتواند عدالت آموزشی را تعمیم و تعمیق دهد، قطعا شکاف طبقاتی و فاصله طبقاتی زیاد خواهد شد و نارضایتی و ناهنجاری در سیستم به وجود خواهد آمد. بر این اساس است که در "گام دوم" می بایست این موضوع یعنی برقراری عدالت آموزشی بشکل مطلوب و ویژه، مورد توجه مسئولان نظام آموزش و دیگر دست اندرکاران اعم از حوزه سیاست گذاری، تصمیم گیری و اجرایی قرار گیرد.

□ شاخص های عدالت آموزشی

عدالت آموزشی شامل سه مضمون فراگیر بسترسازی عادلانه توزیع منابع، بهره مندی عادلانه از منابع و شایسته پروری است و بر همین اساس، شاخص ها و مصادیق مختلفی در بحث عدالت آموزشی خصوصا در حوزه آموزش و پرورش که نظام آموزشی پایه و مورد توجه قانون اساسی است،

- مطرح است که برخی از اینها عبارتند از:
- عدالت کمی (امکانات فیزیکی و کمی آموزشی)
 - نسبت دانش‌آموز به معلم
 - نسبت دانش‌آموز به فضا یا تراکم دانش‌آموز به کلاس
 - عدالت تربیتی (کیفیت آموزش و معلم)
 - دسترسی راحت به اینترنت و امکانات آموزشی و کمک آموزشی
 - فرصت برابر مدارس در برخورداری از معلمان با تجربه و موفق
 - تأمین معلمان بومی برای مناطق خاص و دارای مدارس متنوع
 - پرهیز از سیاسی کاری در انتخاب مدیران
 - عدالت بین آموزش و پرورش
 - عدالت جنسیتی
 - عدالت قومیتی
 - عدالت منطقه ای و



❑ خلاهای موجود در زمینه عدالت آموزشی

برخی خلاهای جدی موجود فراروی عدالت آموزشی در ایران که عدم حل آنها طی سالیان متمادی، تبدیل به چالش در این زمینه شده است، عبارتند از:

۱. نقصان در تحقق عدالت آموزشی کمی و کیفی بین مناطق مختلف کشور
۲. بی عدالتی آموزشی ناشی از آموزش مجازی (عدم دسترسی به اینترنت در آموزش مجازی و هزینه های سنگین تحمیل شده به اولیاء که توأم با انداختن بار مسئولیت آموزش و فشار روانی بر خانواده ها شده است)
۳. بی عدالتی ناشی از عدم توجه به تنوع فرهنگی در

کشور(برنامه‌های درسی در کشور ایران اکنون به‌گونه‌ای است که یک کتاب درسی برای کل کشور تعریف می‌شود این در حالی است که ما در کشوری با تنوع فرهنگی بسیار زیاد قرار گرفته‌ایم)

۴ رشد مدارس غیرانتفاعی که نماد اصلی ایجاد شکاف و بی‌عدالتی بوده و با توجه به تفاوت فاحش در تراکم دانش‌آموزان(میانگین دانش‌آموزان در مدارس غیرانتفاعی ۲۰ نفر و در مدارس دولتی ۳۵ نفر است) و میانگین بالای نمرات(بخاطر امکانات کمی و کیفی بیشتر) و نیز توجه ویژه مدیران به حمایت فراقانونی از این مدارس، تبعات و حواشی مختلفی از منظر بی‌عدالتی آموزشی به همراه داشته‌اند. طوریکه فقط ۵ درصد دانش‌آموزان مدارس دولتی کشور در دانشگاه‌های دولتی قبول می‌شوند.

۵ . تسلط مافیای کنکور و توزیع ناعادلانه رتبه‌ی کنکور(عدم تناسب سوالات کنکور با متون کتاب‌های اصلی دروس و سطح تدریس در مدارس دولتی)



□ چالش‌های اصلی عدالت آموزشی در آذربایجان شرقی

از بین نقصان‌های کلی فوق‌الذکر، در آذربایجان شرقی رشد بیش از حد مدارس غیرانتفاعی و تعداد بالای آنها در استان که نسبت به متوسط کشوری افزون‌تر است (درصد متوسط مدارس غیرانتفاعی از کل مدارس در کشور ۱۰ درصد و در استان ۲۰ درصد است) و عدم توجه به بحث تنوع فرهنگی و زبانی، دو چالش ویژه‌ای است که به تشدید بی‌عدالتی آموزشی در این استان-هم‌بصورت درون‌استانی و هم نسبت به دیگر مناطق کشور- منجر شده است.

این در حالی است که علی‌رغم بالا بودن درصد مدارس غیرانتفاعی در

استان و برغم تحمیل بی عدالتی آموزشی از این ناحیه، لیکن رتبه آموزشی استان در کشور، بالای ۱۰ و حتی در برخی شاخص ها بیستم به بعد می باشد.

در این خصوص باید گفت، عدم نظارت جدی بر اجرای قانون "منع تعارض منافع مدیران" در آموزش و پرورش استان طی سالیان متمادی، از جمله عوامل اصلی رشد بیش از حد (کشوری) مدارس غیرانتفاعی در آذربایجان شرقی است که در این خصوص لازم است، مسئولین نظارتی و ارشد استانی با حساسی ویژه ای مدارس وابسته به مسئولین آموزش و پرورش که در سایه حمایت های فراقانونی مدیران مربوطه رشد قارچ گونه داشته اند را اعمال قانون کنند و زمینه های تحقق عدالت آموزشی در استان را فراهم سازی بهتر و بیشتری کنند.



□ بابک محمدزاده علمداری/ پژوهشگر

دکتری توسعه